

ترجمه قرآن، معتقدان و منتقدان

علیرضا عظیمی فر

کارشناس ارشد قرآن و حدیث

چکیده:

جواز و عدم جواز ترجمه قرآن، بحث مورد نظر نویسنده این مقاله است. نگارنده، ضمن تعریف ترجمه و بیان رابطه آن با تفسیر، پیشینه آن را بین مسلمانان به صدر اسلام، برگردانده است. دیدگاه فرق عمده اسلامی در مورد جواز ترجمه و نیز بررسی دلایل موافقان ترجمه، بحث عمده این مقاله می‌باشد که در پایان، فتوای ترجمه ناپذیری قرآن در میان اندیشمندان اسلامی را منکر شده، وجود ترجمه قرآن را دلیل جواز آن شمرده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، مطالعات قرآنی، ترجمه

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه:

بی گمان، هیچ کتاب آسمانی به اندازه قرآن کریم، نتوانسته است در تمدن سازی و فرهنگ پروری و تکامل یابی انسان و تحول جامعه بشری، اثرگذار باشد. گویای این سخن، دهها و صدها پژوهش نوشتاری است که از ناحیه اندیشمندان جهان - مسلمان و غیرمسلمان - به گونه‌های متعدد درباره این کتاب مقدس و نقش آن در تمدن و فرهنگ جوامع انسانی، عرضه شده است. می‌توان از نمونه‌های آشکار این دسته پژوهش‌ها را، پیشینه کهن ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف دنیا که از ناحیه مستشرقان انجام گرفته، یاد کرد. از این رو، ترجمه قرآن از بحث‌های دامنه‌دار و حساس و مورد توجه صاحب نظران در گذشته تاکنون، به شمار می‌آید. منشاء حساسیت و عنایت

به این موضوع را می‌توان ناشی از دو جهت دانست:

نخست: پی بردن به نقش آفرینی قرآن کریم در ساختن تمدن بزرگ اسلامی و نیز اثربخشی آن در تحولات فرهنگی دیگر جوامع.

و دیگر: پرسشهایی بوده است که در برابر عده‌ای از متفکران دینی در زمینه ترجمه قرآن قرار گرفته و ذهن آنان را به این موضوع، توجه داده است. عمده‌ترین این پرسش‌ها چنین است: یکم: با توجه به فصاحت و بلاغت و اعجاز بیانی قرآن، آیا می‌توان این متن آسمانی و فرابشری را در قالب زبان بشری درآورد. به‌آنگونه که به جلوه‌های شگفت برانگیز و اعجاز‌آمیز اسلوب کلام وحی، آسیبی نرسد.

دوم: با قبول امکان‌پذیری برگرداندن این متن در قالب زبان دیگر، این پرسش‌ها، پیش‌رو است.

الف) آیا بر متن ترجمه شده، آثار ثواب تلاوت برای تلاوت کننده قرآن را، می‌توان بار

کرد و این متن را به عنوان قرآن تلقی نمود؟

ب) از نظر گاه شرعی، بی‌طهارت می‌توان بر متن ترجمه شده، دست کشید؟

پ) نگه‌داری متن ترجمه شده همانند متن اصلی قرآن کریم بر مسلمان، واجب

است؟

ت) خواندن ترجمه قرآن در نماز به‌طور عموم و سوره حمد به‌طور خصوص، چه

حکمی دارد؟

مجموعه این پرسش‌ها - و شاید موارد دیگر - از یک سو و اهمیت و نقش ترجمه قرآن در رساندن پیام هدایت‌گر و روشنی‌بخش این کتاب آسمانی به سراسر مردم جهان و ناآشنایان به ادبیات و زبان حاکم بر آن از سوی دیگر، سبب شده تا متفکران دینی، به تبیین راه کارهای اصولی در مورد ترجمه قرآن کریم برآیند. از این رو، موضوع ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف، موافقان و مخالفانی را به سوی خود، کشانیده است. اینک، نگارنده تلاش دارد تا با بیان خاستگاه نظریه‌ها و تجزیه و تحلیل دلایل آنان و ارائه آرای فقیهان مذاهب اسلامی به بازشناسی موضوع ترجمه قرآن و جایگاه آن، اشاره نماید.

پیش از بحث درباره نظریه‌ها و دلایل معتقدان و منتقدان ترجمه قرآن، لازم است به‌طور کوتاه

و گذرا به شناسایی برخی از کلید واژه‌های موضوع بحث اشاره گردد.

معنایابی واژه ترجمه:

لغت نگاران در ریشه بنیادین واژه ترجمه، هم داستان نیستند. برخی از آنان، ترجمه را از ریشه سه حرفی رجم که در قرآن یاد شده^۱ و به معنای سخن گفتن از روی حدس و گمان است، دانسته‌اند.^۲ گروهی از لغت شناسان و به پیروی از آنان، قرآن پژوهان، بر این باورند که ترجمه از ریشه چهار حرفی ترجم که ریشه در زبان و فرهنگ عرب دارد، برگرفته شده است.^۳ باری لغت نویسان، چهار معنا برای ترجمه، یاد نموده‌اند:

الف) رسانیدن سخن به افراد بی خبر^۴

ب) تفسیر و تبیین سخن و شرح معنای آن از یک زبان به زبان دیگر^۵

پ) توضیح و تفسیر سخن با همان زبان اصلی^۶

ت) برگردانیدن سخن از زبان اصلی به زبان دیگر بدون شرح و توضیح زبان اصلی^۷

در لغت نامه دهخدا، ترجمه چنین معنا شده است: تفسیر کردن زبانی را به زبان دیگر، بیان کردن سخن کسی به زبان دیگر و ترجمان شخصی را گویند که لغتی را از زبانی به زبان دیگر، ترجمه کند^۸ و در فرهنگنامه معین آمده: گذاردن، گردانیدن از زبانی به زبانی دیگر، نقل کردن، گزارش کردن، ذکر کردن سیرت، اخلاق و نسب شخصی.^۹

ترجمه از دیدگاه اندیشمندان

بسیاری از صاحب نظران، معنای چهارم از معانی چهارگانه یاد شده پیشین را برای تعریف خاص ترجمه، برگزیده‌اند.^{۱۰}

عبدالعظیم زرقانی در این باره می‌نویسد: ترجمه در اصطلاح اندیشمندان به همان معنایی است که لغت نگاران، آورده و آن عبارت از: «نقل الکلام من لغة الی لغة اخری»، گردانیدن سخن از یک لغت به لغت دیگر.^{۱۱}

او در توضیح این عبارت نوشته است: معنای این بیان، این است که تمام معانی و مقاصد سخن مبدا در سخن مقصد آورده شود و گویا سخن دوم، همان سخن اول است.^{۱۲}

آیت الله محمدهادی معرفت در تعریف ترجمه می‌نویسند: ترجمه برگرداندن مطلبی از یک زبان به زبان دیگر است و شرط اساسی در آن، اینکه، قالب زبان مقصد به گونه‌ای انتخاب شود که بتواند، مفهوم مورد نظر زبان مبدا را، افاده کند.^{۱۳}

برخی دیگر در تعریف آن، گفته‌اند: انتقال مفهومی به صورت شفاهی یا کتبی از زبانی به زبان دیگر.^{۱۴}

از آنچه آمد، می‌توان تعریف ترجمه قرآن را چنین یاد کرد: ترجمه قرآن، عبارت از برگردانیدن بخشی از معانی ظاهری آیات از زبان اصلی به یک زبان دیگر است.

تفسیر از نگاه قرآن پژوهان:

امروزه، تفسیر، دانشی از مجموعه دانش‌های قرآنی، شناخته شده و آن را به شرح و توضیح و تبیین آیات قرآن کریم، می‌شناسیم و شاید به دلیل روشن بودن تعریف آن، بسیاری از مفسران پیشین در آثارشان به ارائه تعریف و توصیفی از آن نپرداخته‌اند.^{۱۵} با این حال، عده‌ای از قرآن پژوهان، در صدد بیان تعریف تفسیر برآمده و تعاریف مختلفی از آن یاد کرده‌اند. اما آنچه به نظر می‌رسد و اشاره بدان در این جا ضروری است، نگاه علمی داشتن به تفسیر است؛ بدین معنا که تفسیر مانند دیگر علوم، محصول خرد بشری در بکارگیری ابزار در فهم آیات و نزدیک شدن به مراد گوینده آن است. با این نگاه، مفسر در صدد است تا با مدد ابزار و قواعد در اختیارش به فهم سخن گوینده آیات یعنی خداوند سبحان، نزدیک و از قرآن تصویری، روشن به مخاطبان ارائه دهد. با این نگاه در تعریف تفسیر می‌توان چنین گفت:

تفسیر، دانشی است دارای مبانی، اصول و قواعد که مفسر با بهره‌گیری از آنها، در صدد پرده برداری و رازگشایی از مفاد استعمالی آیات و آشکار نمودن مراد خدای متعال است.

ترجمه و تفسیر، تعامل یا تعارض:

میان قرآن پژوهان، دو نظریه متفاوت درباره رابطه میان ترجمه و تفسیر، می‌توان یافت. عده‌ای به ارتباط منطقی و تعامل آن دو، معتقدند. از این رو، ترجمه را نوعی تفسیر^{۱۶} یا تفسیر اجمالی می‌دانند^{۱۷} و در برابر، گروهی ترجمه و تفسیر را در تعارض با هم دانسته و چند تفاوت اساسی

برای آنها، یاد نموده‌اند: ^{۱۸}

یکم) وابسته نبودن ساختار ترجمه به متن اصلی و بی‌نیازی از آن برعکس تفسیر دوم) جایز نبودن بکارگیری کلمات و جملات استطرادی و معترضه در ترجمه برعکس تفسیر

سوم) پایبندی مترجمان به رعایت تمام معانی و مقاصد متن اصلی در ترجمه برعکس تفسیر

چهارم) اطمینان بخشیدن مترجم در ترجمه به آوردن تمام آنچه در متن اصلی یاد شده برعکس تفسیر

پنجم) محدودیت الفاظ بکار گرفته شده در ترجمه و نامحدود بودن استفاده الفاظ فراوان در تفسیر

ششم) ضروری بودن آشنایی و آگاهی مترجم به زبان مبدا و مقصد، لیکن در تفسیر، لازم نیست مفسر نسبت به زبان مقصد از تسلط و مهارت فراوان، برخوردار باشد. هرچند، بایستی نسبت به ادبیات حاکم بر زبان مبدا، آگاهی کافی داشته باشد.

به نظر می‌رسد، آنچه در بیان تفاوت میان دانش ترجمه و تفسیر آمده به اصل هویت آن دو، ارتباط ندارد بلکه به شرایط و لوازم آن دو، باز می‌گردد. از این رو، می‌توان ترجمه و تفسیر را در تعامل نزدیک با هم دانست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

پیشینه ترجمه قرآن میان مسلمانان

از مدارک و اسناد تاریخی می‌توان به دست آورد: سابقه ترجمه قرآن کریم در میان مسلمانان با عصر نزول آن، برابری دارد. نمونه این اسناد را با بیان دو مورد، می‌توان یاد کرد:

ترجمه سوره مریم توسط جعفر ابن ابی طالب

در مستندات گزارشگر تاریخ صدر اسلام، آمده: در نخستین هجرت مسلمانان به دیار حبشه، عده ای از آنان به نزد پادشاه و بزرگان آن سرزمین، رسیدند. پادشاه، از سرپرست گروه مسلمان؛ جعفر ابن ابی طالب در رابطه با حضرت مریم و فرزند بزرگوارش (ع)، پرسش‌هایی کرد. جعفر

ابن ابی طالب با بیان آیات سوره مریم و ترجمه آنها توسط شخصی از دربار که به زبان عربی و حبشی آشنا بود به پاسخ گویی پرداخت.^{۱۹}

ترجمه فارسی سوره حمد توسط سلمان فارسی

در مجموعه کتاب‌های روایی، این چنین گزارش شده: عده‌ای از ایرانیان فارسی زبان مسلمان از حضرت سلمان - رضوان الله تعالی علیه - درخواست ترجمه فارسی از سوره حمد را نمودند. و آن جناب، با ترجمه آن سوره به درخواست آنان پاسخ فرمودند: این موضوع به حضرت رسول(ص) انتقال یافت و آن بزرگوار، ممنوعیتی از این کار نفرمود.^{۲۰}

این حرکت در نیمه دوم قرن چهارم هجری و شاید اندکی پیش از آن با پیدایش ترجمه فارسی تفسیر گونه جامع البیان محمدبن جریر طبری ادامه یافت. این اثر گرانسنگ و کهن که به درخواست امیر سامانی با هدف آشنایی بیشتر ایرانیان فارسی زبان با قرآن کریم نگاشته شده، از آثاری به شمار می‌آید که حکایت از قدمت نگارش در زمینه ترجمه قرآن دارد.

از آن دوران، تاکنون که نزدیک به هزار سال می‌گذرد، آثار فراوانی از قرآن پژوهان و مترجمان درباره ترجمه آیات کتاب وحی به ظهور رسیده است. وجود این آثار، تردیدی برای پژوهشگران درباره قدمت ترجمه قرآن کریم، باقی نمی‌گذارد.

جایگاه ترجمه قرآن میان مسلمانان

سبک بیانی قرآن کریم از خصوصیات و امتیازات انحصاری، برخوردار است که در هیچ نوشتار بشری، همانند آن وجود ندارد.^{۲۱} بدین سان، برگرداندن زبان این کتاب با همان خصوصیات کاری، بس سنگین و دشوار می‌نماید، اما به نظر می‌رسد برای مردمی که با زبان قرآن، ناآشنا و از آموزه‌ها و پیام‌های جاودان آن، ناآگاهند و تشنه فراگیری معارف و حقایق قرآنی‌اند، گریزی از ترجمه و برگرداندن زبان قرآن به دیگر زبان‌های زنده جهان نیست. از این رو، آنان که بر این باورند نه تنها، رای و فتوا به جواز ترجمه قرآن، می‌دهند بلکه از معتقدان به وجوب و لزوم ترجمه آن می‌شوند. در برابر کسانی که به امتیازات انحصاری زبان قرآن، توجه داشته، برگرداندن آن را به زبانی دیگر امکان ناپذیر و آسیب رساندن به این متن قدسی آسمانی پنداشته؛ فتوا به حرمت

ترجمه قرآن داده‌اند. اینک، ضرورت دارد به یاد کرد از خاستگاه آرای صاحب نظران و دلایل آنان به اختصار پرداخته شود.

خاستگاه نظریه ترجمه قرآن

مدارک و اسناد تاریخی در زمینه پیشینه ترجمه قرآن، حکایت می‌کند: سابقه ترجمه میان مسلمانان با عصر نزول آن برابری دارد. پیش تر به نمونه‌هایی از ترجمه کهن قرآن اشاره گردید. پذیرش این نمونه‌ها، می‌تواند تاییدی بر مشروعیت کار ترجمه و دیدگاه موافقان آن باشد. اما آنچه این تفکر را به چالش کشانده، پیدایش آرای مخالفان ترجمه است که از دیر باز به گونه‌ای پراکنده در میان صاحب نظران اهل سنت یاد شده و در قرن سیزدهم هجری، این اندیشه، شدت بیشتری به خود، دیده است. آن وقت که در سال ۱۹۲۰ میلادی از ناحیه دولت مصطفی کمال به شکل رسمی و حکومتی دستور به ترجمه قرآن به زبان ترکی و مشروعیت خواندن آن در نماز، صادر و این موضوع عاملی مهم در بروز اختلافات میان مخالفان و موافقان ترجمه قرآن شد.^{۳۲}

بررسی منابع تاریخی، نشان می‌دهد: در مذاهب فقهی اهل سنت با صراحت، مخالفتی در زمینه ترجمه قرآن توسط بنیان‌گذاران این مذاهب و پیروان برجسته آنان، نشده است و آنچه به روشنی، مذاهب چهارگانه اهل سنت - جز در یکی از دو رای ابی حنیفه - بدان فتوا داده‌اند، حرمت خواندن ترجمه قرآن در نماز بوده است، گرچه شاید بتوان از رای آنان در این باره یا در لابلای برخی از آثار عالمان این مذاهب، به نوعی حرمت ترجمه قرآن در غیر نماز را یافت.^{۳۳}

در اینجا، لازم است برای روشن شدن آرای مذاهب رسمی اهل سنت و فتوای آنان، از آثارشان یاد شود.

دیدگاه مذهب شافعی

یکی از فقیهان پیرو مذهب شافعی درباره رای شافعی می‌نویسند «مذهبا - ای شافعیه - انه لاتجوز قرائة القرآن بغیر لسان العرب سواء امکتة العربیه ام عجز عنها و سواء کان فی الصلاة ام فی غیرها فان ائی بترجمته فی صلاة بدلا عنها لم تصح صلاته سواء احسن القرائة ام لا»^{۳۴} «مذهب ما شافعیه، آن است که قرائت قرآن به غیر زبان عربی، جایز نیست، در این فتوا، تفاوتی میان توانایی

خواندن زبان عربی یا ناتوانی از آن و نیز در نماز یا غیر آن، وجود ندارد. از این رو، هرگاه، کسی در نماز، ترجمه آن راه به جای اصل عربی به جای آورد، نماز او باطل است؛ خواه، قرائت نماز به زبان عربی را بدانند یا ندانند.

نقد

آنچه از این فتوا، روشن است، رای به نفی خواندن ترجمه قرآن در نماز یا قرائت و تلاوت کردن آن با زبان غیر عربی است و از این فتوا، حرمت ترجمه قرآن به طور عموم، معلوم نمی‌شود.

مذهب مالکیه

برخی از فقیهان اهل سنت، رای مالک، بنیانگذار مذهب مالکیه را چنین آورده‌اند که ایشان، گفته‌اند: «لا تجوز قراءة القرآن بغير العربية بل لا يجوز التكبير في الصلاة بغيرها ولا بمراذف من العربية فان عجز عن النطق بالفاتحة بالعربية وجب عليه أن يأتهم بمن يحسنها.»^{۲۵} قرائت قرآن به زبان غیر عربی بلکه گفتن تکبیر الاحرام در نماز به غیر آن یا به معنای آن، با زبان عربی، جایز نیست و کسی که از خواندن سوره حمد در نماز به زبان عربی ناتوان است، نمازش را واجب است به فردی اقتدا کند که می‌داند و در جای دیگر از ایشان گزارش شده «اكره ان يدعو الرجل بالعجمة في الصلاة»^{۲۶} خواندن نماز به زبان غیر عربی را کراهت دارم.

نقد

از این رای نیز معلوم می‌شود که موضوع ترجمه قرآن به شکل رواج یافته آن، از گذشته تاکنون در صورت مسئله و فتوای بدان نیامده است و موضوع در رابطه با قرائت قرآن و به خصوص قرائت نماز به غیر زبان عربی است.

مذهب حنابلیه

ابن حزم، از فقیهان نام‌آشنای مذهب حنبلی در رابطه با دیدگاه حنابلیه چنین نوشته است: «من قرا ام القرآن او شيئا منها او شيئا من القرآن في صلاة مترجما بغير عربيته ... بطلت صلاته»^{۲۷} کسی

که سوره حمد را یا بخشی از آن یا بخشی از قرآن را در نماز به زبان غیر عربی بخواند، نمازش باطل است.

مذهب حنفیه

اندیشمندان اهل سنت، دو دیدگاه متفاوت از ابی حنیفه یاد کرده و چنین نوشته‌اند «ذکر الحنفیه فی کتبهم ان الامام ابا حنیفه کان یقول اولاً اذا قرا المصلی بغیر عربیة مع قدرته علیها اکتفی بتلک القرائة ثم رجع عن ذلک و قال متی کان قادراً علی العربیة ففرضه قرائة النظم العربی ولو قرا بغیرها فسدت صلاته»^{۳۸}

پیروان مذهب حنفی در آثارشان، آورده‌اند، امام ابی حنیفه در مرحله نخست، فتوا داده به اینکه، نمازگزاری که قدرت خواندن نماز به عربی دارد و به غیر زبان عربی، آن را بخواند، می‌تواند به همان قرائت، بسنده کند و در رأی دیگر، چنین گفته‌اند، کسی که قدرت خواندن نماز به زبان عربی دارد، واجب است، نماز را به همان زبان، بخواند و اگر به غیر آن بخواند، نمازش باطل است.

نتیجه:

همان طور که از فتاوی بنیان‌گذاران مذاهب چهارگانه رسمی اهل سنت روشن است، هیچ‌کدام به صراحت، فتوا به حرمت ترجمه قرآن نداده‌اند، لیکن برخی از پیروان آنان در مورد جایز نبودن خواندن نماز به غیر زبان عربی، ممنوعیت ترجمه قرآن را به طور عموم استنباط نموده‌اند.

شاطبی از فقیهان مالکی در رابطه با حرمت ترجمه قرآن، پس از ذکر یک مقدمه طولانی به این نتیجه رسیده و چنین ابراز نظر می‌کند «لا یمکن من اعتبار هذا الوجه - الدلالة التابعة - ان یترجم

کلاماً من الکلام العربی بکلام العجم فضلاً عن یترجم القران و ینقل الی لسان غیر عربی»^{۳۹}

کسانی که، دلالت تبعی الفاظ بر معانی را پذیرفته‌اند، هیچ‌گاه به ترجمه زبان عربی به زبان دیگر رأی نمی‌دهند چه برسد به اینکه به ترجمه قرآن و انتقال زبان آن به دیگر زبان‌ها، رای دهند.

زرکشی در کتاب البحر المحیط می‌نویسد: «لا تجوز ترجمة القرآن بالفارسیة ولا بغیرها بل تجب قرائته علی الهيئة التي يتعلق بها الاعجاز لتقصير الترجمة عنه و لتقصير غیره من الالسن عن البیان

الذی خص به دون سائر اللسن»^{۳۰} ترجمه کردن قرآن به فارسی و به غیر آن، جایز نیست بلکه واجب است قرآن به همان شکلی که اعجازش به آن وابسته است، خوانده شود زیرا ترجمه، نقصان از زبان قرآن است و نمی‌تواند، آنچه را بیان قرآن از آن برخوردار است، در برگیرد.

دیدگاه عالمان شیعه

باری، جهت گیری دیدگاه عالمان شیعه از گذشته تاکنون درباره موضوع ترجمه قرآن برخلاف رای مخالفان ترجمه از اهل سنت، بوده است.

آیت الله محمدهادی معرفت نظرگاه عالمان شیعه را در این باره، چنین یاد کرده است: دانشمندان پیشین ما درباره مسئله ترجمه قرآن، بحث مفصلی که در برگیرنده تمام ابعاد مسئله باشد، نکرده‌اند بلکه کلام آنان درباره ترجمه در بحث از شرایط قرائت، در نماز آمده و از کلماتشان استفاده می‌شود: ترجمه اشکالی ندارد و بحث آنان که آیا می‌توان به جای سوره فاتحه، ترجمه آن را در نماز خواند، یک بحث ثانوی (= جداگانه) است که در آن، اصل مشروعیت ترجمه، مسلم دانسته شده است.^{۳۱}

ایشان در جای دیگر از زبان فقیهان شیعه، اتفاق نظر آنان را بر ممنوعیت قرائت نماز به غیر زبان عربی، گزارش داده و به دنبال آن، نوشته‌اند: فقهای امامیه بر اینکه ترجمه قرآن، قرآن نیست، اتفاق نظر دارند. این حکم در میان علمای ما چه در گذشته و چه اکنون، مورد اجماع است.^{۳۲}

دیدگاه آیت الله کاشف الغطا (ره)

فقیه برجسته شیعه، سیدمحمدحسین کاشف الغطا (ره)، معتقد است: ترجمه قرآن به زبان فارسی از قدیم، رواج داشته و از هیچ یک از دانشمندان بزرگ ما، ممنوعیتی بر آن، گزارش نشده است و اگر ترجمه قرآن به زبان فارسی، جایز باشد، ترجمه آن به دیگر زبان‌ها، به طور مسلم، جایز خواهد بود.^{۳۳}

دیدگاه آیت الله خوئی (ره)

آیت الله سیدابوالقاسم خوئی (ره) درباره ترجمه قرآن، چنین رای داده است: حکمت بالغه خدا،

خواسته است تا قرآن کریم به زبان قوم پیامبر، بر او نازل شود با اینکه، تعالیمش همگانی و هدایتگری آن جهانی است. بدین سبب، لازم می‌آید تا تمام مردم جهان، قرآن را بفهمند و از هدایت آن، بهره‌مند شوند و بی تردید، ترجمه قرآن برای رسیدن به این مقصود، مدد می‌رساند.^{۳۴}

دیدگاه آیت الله معرفت

آیت الله محمدهادی معرفت از قرآن پژوهان معاصر، نوشته‌اند از بهترین وسائل تبلیغی، ترجمه کردن آیات قرآن و آشنا ساختن جهانیان با حقایق و معارف آن است زیرا مردم جهان در این انتظارند تا بدانند در قرآن، چه حقایقی نهفته است که از ملت‌های مختلف با فرهنگ‌های گوناگون، ملتی واحد ساخته و آنها را در برابر ستمگران، یک صدا و هماهنگ کرده است از این رو، ضرورت ایجاد می‌کند تا قرآن به تمام زبان‌های زنده جهان، ترجمه و در اختیار همگان قرار گیرد و مردم به طور مستقیم از آن، بهره‌مند شوند.^{۳۵}

نتیجه سخن:

از بررسی فرآیند تاریخی، نظریه صاحب نظران در رابطه با ترجمه قرآن کریم روشن می‌شود. عالمان شیعه بر ممنوعیت ترجمه، رای نداده بلکه عده‌ای از آنان، با صراحت، فتوا به جواز یا لزوم و وجوب آن داده‌اند و از دیگر سو از بیان پیشوایان مذاهب اهل سنت، فتوا به ممنوعیت و حرمت ترجمه، استفاده نمی‌شود. بدین سان، آنچه مورد نزاع قرار گرفته از ناحیه جمعی از اندیشمندان اهل سنت بوده که اوج این مخالفت‌ها در قرن سیزدهم با بروز اشکالات فراوان در ترجمه‌های مستشرقان از قرآن و رسمیت یافتن ترجمه ترکی توسط دولت مصطفی کمال، رخ داده است. اینک، روند بحث می‌طلبد تا به دلایل مخالفان و موافقان ترجمه، اشاره شود:

دلایل موافقان ترجمه:

پیش‌تر چنین آمد: عالمان و فقیهان شیعه در آثارشان، سخنی از ممنوعیت ترجمه قرآن به میان نیاورده بلکه عده‌ای با صراحت، فتوا به جواز یا وجوب ترجمه داده‌اند و شاید بتوان گفت: آثار ترجمه شده قرآن از مفسران شیعه مانند: ترجمه ابوالفتح رازی از مفسران شیعی قرن ششم و

ترجمه ملاحسین کاشفی در قرن نهم و ملافتح الله کاشانی در قرن دهم و بسیاری از ترجمه‌های دوره‌های اخیر از مترجمان شیعی، شاهدی استوار بر نفی ممنوعیت ترجمه از نظرگاه اندیشمندان شیعه، باشد و گاه برخی از صاحب نظران شیعی، هرگاه سخن از ممنوعیت به میان آمده به دفاع از مشروعیت ترجمه، برآمده‌اند. پس، محور سخن درباره ممنوعیت ترجمه را می‌توان، متمرکز بر دیدگاه اندیشمندان اهل سنت دانست. با این حال، موافقان ترجمه برای اثبات نظریه خود به چند دلیل، چنگ زده‌اند که بدان‌ها، اشاره می‌شود:

الف) جهانی بودن پیام قرآن

خدوند متعال، در یکی از آیات شریفه، رسالت پیام رسانی کلام وحی به جهانیان را، از وظایف رسول گرامی اسلام بر شمرده، آنجا که فرموده «و اوحی الی هذا القرآن لاندركم به و من بلغ»^{۳۶} این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که این «قرآن» به آنها می‌رسد، با آن، بیم

دهم. بر این اساس، همگان بایستی از آموزه‌ها و پیامهای روح بخش و دلنشین قرآن، آگاه و آشنا گردند و رسیدن به این هدف، وقتی امکان پذیر است که بتوان با ترجمه آیات به دیگر زبان‌ها، مردم را از موضوعات و مطالب ارزنده قرآنی، آگاه و پیام آن را، جهانی ساخت. آیت الله محمدهادی معرفت در این باره می‌نویسند: تاکنون، هیچ دانشمند و فقیه شیعی نگفته است، ترجمه آیات قرآن به دیگر زبان‌ها، به منظور دعوت به دین اسلام و آشنایی آنان با شرایع و حقایق قرآن، ممنوع است بلکه می‌توان گفت: ترجمه قرآن از دیر باز، سیره جاری دانشمندان مسلمان حتی غیرمسلمان بوده است.^{۳۷}

ب) رسالت مسلمانان در برابر قرآن

خدای متعال برای مسلمانان در برابر قرآن کریم، وظایفی چون نگهداری آن از آسیب دشمنان و رساندن معارف و تعالیم آن به عنوان زبان مکتب اسلام، قرار داده است، بدین سان، ضرورت دارد تا مسلمانان، این وظیفه دینی را در قالب ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف زنده، به جهانیان عرضه دارند تا مردم ناآشنا و بیگانه با زبان عربی، بهتر و بیشتر با مکتب اسلام و دستورات آن، از

ناحیه قرآن، آگاه گردند.

روانشاد، فقیه نام آشنا، محمدحسین کاشف الغطاء در این باره نوشته‌اند: «ترجمه قرآن، بهترین راه دعوت به اسلام و تبلیغ دین است و قرآن کریم، متکفل اصلاح دنیا و آخرت مردم است بگونه‌ای که در هیچ کتاب آسمانی و در آیین‌های پیشین چنین نبوده است و خدای متعال، امت اسلامی را به خیر، فراخوانده است و چه خیری مهم‌تر و بزرگتر از دعوت به اسلام است.^{۳۸}»

پ) سیره عملی میان مسلمانان

تاریخ دیرینه نخستین ترجمه‌های فارسی از قرآن که از قرن چهارم هجری آغاز و تاکنون استمرار یافته، مانند: ترجمه قرآن طبری، ترجمه رشیدالدین میبدی، خواجه عبدالله انصاری، ابوالفتح رازی، ملا فتح الله کاشانی و دیگر آثار ترجمه شده از گذشته تاکنون، حاکی از مشروعیت این حرکت در میان اندیشمندان اهل سنت و شیعه بوده است. این سیره جاری بر عمل کردن به ترجمه قرآن میان مفسران و مترجمان شیعه و اهل سنت، نشان از پذیرش این جریان در میان مسلمانان و شاهدی گویا بر امکان‌پذیری ترجمه و نفی ممنوعیت آن، دارد. به گونه‌ای که پیش‌تر اشاره شد، گزارشی از دانشمندان شیعه در مخالفت با ترجمه قرآن، به میان نیامده است.

دلایل مخالفان ترجمه:

پیشتر آمد: در گذشته، مخالفت با ترجمه قرآن، میان عده‌ای از صاحب نظران اهل سنت بوده اما در سال‌های اخیر، ارائه ترجمه‌ای ترکی از قرآن کریم، موج‌شدیدی از مخالفت را در جوامع علمی اهل سنت برانگیخت^{۳۹}. از پیش‌گامان این جنبش، می‌توان از محمد مصطفی شاطر، شیخ محمد سلیمان، شیخ محمد ظواهری، عبدالعظیم زرقانی، محمدحسین مخلوف و شیخ محمدخضر حسین؛ استادان برجسته دانشگاه الازهر، یاد کرد. اینک به دلایل این گروه، اشاره می‌شود.

الف) امکان‌ناپذیری ترجمه قرآن:

عبدالعظیم زرقانی از چهره‌های نام‌آشنا در زمینه پژوهش‌های قرآنی بر امکان‌ناپذیری ترجمه قرآن کریم، عقیده‌مند است. ایشان، در صدد است تا از دو راه، این باور را به اثبات رساند.

نخست، از قانون عقلی مستلزم محال، محال است، بهره گرفته و می گوید لازمه ترجمه قرآن، تحقق بخشیدن به یک موضوع ناممکن است از این رو، ترجمه قرآن نیز، امکان پذیر نیست زیرا، سبب انجام گرفتن موضوعی ناممکن است، چون مترجم نمی تواند، تمام معانی و مقاصد گوینده را در متن ترجمه شده، بیاورد.

دوم، ترجمه قرآن، ناسازگار با تحدی است. به این بیان، آیات بیانگر تحدی، چنین حکایت دارند: هیچ احدی نمی تواند، چیزی همانند و شبیه قرآن بیاورد و پذیرش ترجمه قرآن به معنای هموردی و همسازی با قرآن تلقی می شود و این سخن، در واقع، نشان از ناسازگاری ترجمه با موضوع تحدی است و آنان که به ترجمه قرآن، رای داده اند این ناسازگاری را نادیده، انگاشته اند.^{۴۰}

نقد و بررسی:

به نظر می رسد این دلیل بر ممنوعیت ترجمه قرآن، از جهاتی، قابل اشکال باشد:

اولاً، گوینده این دلیل، روشن نکرده که مرادش از امکان ناپذیر بودن ترجمه، کدام یک از روش ها و انواع آن است، گرچه می توان از لابلای کلام ایشان، حدس زد که مقصودشان ترجمه واژه به واژه (تحت اللفظی) است و اگر چنین باشد، نگارنده با گوینده موافق است، لیکن سخن این است که چرا و با کدام دلیل، می توان بر ناممکن بودن ترجمه در رابطه با دیگر روش ها، رای داد.

در گذشته چنین آمد: مترجم در روش ترجمه آزاد، ادعا ندارد بر اینکه تمام معانی و مقاصد گوینده را در متن ترجمه شده بیاورد تا این اشکال بر او وارد گردد که این امکان ناپذیر است بلکه هدف او، انتقال مفاهیم از قالبی به قالب دیگر است و تاریخ ترجمه های قرآن، اثباتگر امکان پذیری ترجمه قرآن است.

ثانیاً، آنان که به ترجمه پذیری قرآن رای داده اند، ادعا ندارند که ترجمه قرآن همان قرآن و همانند و شبیه آن است تا این موضوع با مسئله تحدی ناسازگار باشد بلکه همان طور که در تعریف ترجمه یاد شد، مقصود برگرداندن یک زبان به زبان دیگر است.

ب) ترجمه و از بین رفتن قرآن

مخالفان ترجمه پذیری قرآن، معتقدند، تاریخ سرنوشت تورات و انجیل، حکایت می کند، عامل اساسی در از بین رفتن کتاب های آسمانی پیشین، برگرداندن زبان اصلی آنها به دیگر زبان ها بوده

است، از این رو تجربه تلخ این سرنوشت، به ما مسلمانان، هشدار می‌دهد که اگر قرآن از زبان اصلی - عربی - به دیگر زبان‌ها ترجمه شود، سبب از بین رفتن آن، خواهد شد.^{۴۱}

نقد و بررسی

مخالفان ترجمه، به مقایسه‌ای نادرست میان تورات و انجیل و علل تحریف پذیری آنها با قرآن کریم، چنگ زده‌اند و حال آنکه، این مقایسه، صحیح نیست، زیرا عامل اصلی در تحریف تورات و انجیل، تحریف الفاظ آنها نبوده بلکه سران یهودیان و مسیحیان با پنهان ساختن متن اصلی آن دو کتاب و با ارائه تفسیری نادرست به دست کاری و دگرگونی معانی پرداختند و این موضوع، باعث از بین رفتن این دو کتاب آسمانی شد. بنابراین، ارتباطی میان مسئله ترجمه قرآن با تحریف تورات و انجیل، نمی‌توان یافت.^{۴۲}

از دیگر سو، مسلمانان با حفظ و نگهداری قرآن کریم، هیچ‌گاه اجازه نداده‌اند تا دست تحریف بر این کتاب مقدس راه یابد و خدای سبحان نیز چنین وعده کرده و فرموده: «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون»^{۴۳} به درستی و راستی، ما قرآن را فرو فرستادیم و از آن نگهداری می‌کنیم.

ج) ترجمه و تفرقه میان مسلمانان

منتقدان به ترجمه قرآن می‌گویند، اگر ترجمه قرآن، میان مسلمانان، رسمی و پذیرفتنی گردد، هر ملت و جمعیتی براساس زبان، گویش قومی، قبیله‌ای و جمعیتی خود به ترجمه قرآن، رو می‌آورد.

بدین سان، ترجمه‌های فراوان با زبان‌ها و گویش‌های مختلف در میان مسلمانان رواج می‌یابد و این امر، سبب اختلاف مسلمانان و پراکندگی آنان، مانند آنچه بر جامعه یهودیان و مسیحیان رخ داده، می‌شود، وحدت مسلمانان را از بین می‌برد و فرصتی برای سلطه جویی دشمنان بر آنان می‌شود.^{۴۴}

نقد و بررسی:

آنان که به جواز و بلکه لزوم ترجمه قرآن، باور دارند و مرادشان از ترجمه، دور شدن از محوریت متن اصلی قرآن کریم نبوده است بلکه، ترجمه را با عنایت و توجه به متن در نظر دارند از این

رو، نیاستی معنای ترجمه کردن قرآن را، دوری از آن که عامل بر هم زدن یکپارچگی مسلمانان است، به شمار آورد بلکه در ترجمه، مرکزیت و محوریت با قرآن است و همان، عامل وحدت میان تمامی مسلمانان در جهان به شمار می آید و علاوه بر آن - همانطور که گذشت - از نظر گاه فقیهان شیعه، ترجمه قرآن به منزله خود قرآن، تلقی نمی شود.

د) ترجمه و اختلاف در احکام شرعی و آداب دینی

کسانی که بر ترجمه ناپذیری قرآن اصرار دارند، می گویند: مترجمان در درک و فهم معانی الفاظ قرآن کریم، یکسان نیستند و این اختلاف افق مترجمان، سبب بروز اختلاف در ترجمه ها می شود و به دنبال آن، در بخشی از آیات، پیرامون احکام شرعی و آداب دینی، اختلافاتی، پدید می آید و این موضوع، سبب استنباطها و اجتهادهای متعدد و متکثر در زمینه مسائل شرعی و آداب دینی در میان مسلمانان است.^{۴۵}

نقد و بررسی

این دلیل، حکایت از بیرون رفتن گوینده از اصل موضوع و نادیده گرفتن صورت مسئله است زیرا معتقدان به ترجمه قرآن به ترجمه ای رای داده اند که قانونمند و روشمند باشد. بدین سان، نباید موضوع ترجمه قرآن را به گونه ای به تصویر کشاند که گویا مترجمان بی رعایت شرایط و ضوابط حاکم بر ترجمه به این موضوع، می پردازند. پس در ترجمه های برخوردار از قانون و روش، اختلاف اندکی، ممکن است در زمینه دستورات شرعی و آداب و اخلاق دینی بر گرفته از آیات، به وجود آید.

ه) ترجمه و نقل به معنای قرآن

مخالفان ترجمه، می گویند: امت اسلامی، اتفاق نظر دارند نقل به معنا کردن قرآن، جایز نیست یعنی نقل کردن و گزارش دادن آیات به زبان عربی نه با همان الفاظ آمده در قرآن بلکه براساس معنای آن و ترجمه قرآن نیز در حقیقت، همان نقل به معنا کردن قرآن به گونه ای دیگر، است با این تفاوت، نقل قرآن به زبان عربی و ترجمه به زبان غیرعربی است. پس می توان گفت، ترجمه

قرآن همانند نقل آن به اتفاق آراء، میان مسلمانان ممنوع شمرده می‌شود.^{۴۶}

نقد و بررسی

این دلیل از دو زاویه، قابل تأمل است:

نخست، از دیدگاه مبانی شیعه: از نظرگاه شیعه، اتفاق رای و اجماع امت اسلامی، وقتی ارزش و اعتبار شرعی پیدا می‌کند که رضایت معصوم از این اتفاق آشکار گردد.^{۴۷} ما در موضوع مورد بحث، نمی‌توانیم رضایت رای معصوم را همراه با رای ادعایی میان امت اسلامی بیابیم. دوم، از منظر مبانی اهل سنت: هرچند ملاک در اجماع پذیرفته میان اهل سنت در مذاهب آنان مختلف است.^{۴۸} لیکن صرف نظر از آن، در پاسخ می‌گوییم، تعدی از مورد اتفاق رای مسلمانان به دیگر موارد به صرف شباهت داشتن، نیازمند دلیل است و چه دلیلی در اینجا وجود دارد که امت اسلامی همانند ممنوعیت نقل کردن معنای قرآن، در مورد ترجمه قرآن نیز، رای بر ممنوعیت داده‌اند.

دیدگاه برگزیده:

از آنچه گذشت، به روشنی معلوم شد که، فتوایی از ناحیه عالمان شیعه و رهبران مذاهب فقهی میان اهل سنت بر ترجمه ناپذیری قرآن و ممنوعیت و حرمت شرعی آن صادر نشده است بلکه جریان این اندیشه، ناشی از حرکتی بوده که در دوره‌ای خاص میان جوامع علمی اهل سنت رخ داده و معتقدان و در برابر منتقدانی را پدید آورده است. از این رو، به نظر می‌رسد، دیدگاه موافقان ترجمه قرآن از مشروعیت و مقبولیت برخوردار باشد زیرا علاوه بر دلایل یاد شده بر اعتبار این دیدگاه، می‌توان آن را با یک برهان عقلی مورد قبول همراه ساخت و آن عبارت است از: «اول دلیل علی امکان الشی و وقوعه»: بهترین دلیل بر امکان‌پذیری یک چیز، موجود بودن آن در خارج است. نگارنده بر این باور است که وجود بیش از دو هزار مجلد ترجمه قرآن کریم در بیش از ۷۹ زبان زنده دنیا با قدمتی بیش از هزار سال از آغاز تاکنون^{۴۹} گواهی گویا و استوار بر ترجمه‌پذیری کتاب وحی و مشروعیت دینی و مقبولیت عمومی آن دارد و این در حقیقت همان برهان عقلی است که می‌تواند، دیدگاه برگزیده را افزون بر دلایل یاد شده بر آن، مورد پذیرش قرار دهد.

پس نوشت‌ها:

(۱) کف / ۲۲

(۲) راغب اصفهانی، مفردات، صفحه ۱۱۹، ذیل ماده رجم

(۳) فیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۹۲، لسان العرب ج ۲، ص ۱۶ ذیل ماده ترجم - آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۴، ص ۹۲ - زرقانی عبدالعظیم، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۱۰ - معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۱۲.

(۴) مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۱۰ - ذهبی محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۸ - سلماسی جواد، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۱۱.

(۵) همان

(۶) لغت نامه دهخدا، ذیل ماده ترجم - معرفت محمدهادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۱، ص ۱۱۴

(۷) همان

(۸) لغت نامه دهخدا، ذیل ماده ترجم

(۹) فرهنگ معین، ذیل ماده ترجم

(۱۰) نگاه کنید: به مناهل العرفان، ج ۱ ص ۱۱۰، ذهبی محمد حسین التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۸، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۱، ص ۱۱۴، دانشنامه قرآن ذیل ماده ترجمه، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۱۱

(۱۱) مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۱۰

(۱۲) همان

(۱۳) معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۱۳، با تصرف اندک

(۱۴) بی آزار شیرازی عبدالکریم، قرآن ناطق، ص ۳۱

(۱۵) نگاه کنید به: بابایی، علی اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۲

(۱۶) تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۱۳

(۱۷) دانشنامه قرآن، ذیل واژه ترجمه، مقاله فرزاد حاجی میرزایی

(۱۸) مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۱۰ با تصرف و تلخیص و نیز نگاه کنید به التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۲۸

(۱۹) سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۲۰

(۲۰) مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۱۴

(۲۱) نگاه کنید به روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۳۹ و نیز سعیدی روشن، محمدباقر، علوم قرآن، ص ۱۰۳

(۲۲) مهتا، احمد ابراهیم، دراسة حول ترجمه القرآن الکریم، دارالشعب، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۲۷

(۲۳) رمضان، نجده، ترجمه القرآن الکریم و اثرها فی معانیه، ص ۱۱۵ و ۱۳۰، دارالمحبة دمشق و دراسة حول القرآن الکریم، ص ۲۵

(۲۴) المجموع، ج ۳، ص ۳۷۹ به نقل از مناهل العرفان، ج ۲ ص ۱۱۵

(۲۵) حاشیه الدسوقی للمالکیه، ج ۱، ص ۱۳۲ به نقل از مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۱۶

- (۲۶) المدونه، ج ۱، ص ۶۲ به نقل از مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۱۶
- (۲۷) المحلی، ج ۳، ص ۲۵۴ به نقل از مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۱۶
- (۲۸) مجله الازهر، شماره ۳، ص ۳۲ به نقل از مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۱۷
- (۲۹) الموافقات، ج ۲، ص ۴۴ به نقل از مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۱۹
- (۳۰) مناهل العرفان، ج ۱، ص ۱۱۶
- (۳۱) تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۲۶ با تصرف اندک
- (۳۲) همان، ج ۱، ص ۱۳۷، با تصرف اندک
- (۳۳) عبدالرحیم محمدعلی، القرآن و الترجمة، ص ۳ و ۴ به نقل از تفسیر و مفسران با تصرف اندک
- (۳۴) خوئی، سیدابوالقاسم، البیان، ص ۵۴۰
- (۳۵) تفسیر و مفسران ج ۱ ص ۱۱۷ با تصرف اندک
- (۳۶) انعام: ۱۹
- (۳۷) تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۱۷، با تصرف اندک
- (۳۸) القرآن و الترجمة، ص ۳ و ۴ با تصرف
- (۳۹) درسه حول القرآن الکریم، ص ۱۸. ترجمه القرآن الکریم و اثرها فی معانیه، ص ۱۳۵
- (۴۰) مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۰۶ با تصرف و تلخیص
- (۴۱) مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۰۷
- (۴۲) نگاه کنید به: تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۱۹
- (۴۳) نحل: ۹
- (۴۴) همان و نیز درسه حول القرآن الکریم، ص ۳۰
- (۴۵) مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۰۸ با تصرف و تلخیص
- (۴۶) مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۰۹
- (۴۷) نگاه کنید به: انصاری، مرتضی، فرائد الاصول بحث حجیت اجماع و دیگر آثار
- (۴۸) غزالی، ابی حامد محمد، المستصفی من علم الاصول، ج ۲، ص ۲۱۲، بحث حجیت اجماع منشورات الشریف الرضی - قم.
- (۴۹) براساس آمار رسمی انتشار یافته از مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی در حوزه علمیه قم که تا سال ۱۳۷۶ شمسی آمده است. مراجعه شود به: ترجمان وحی سال اول، ش ۲.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی